



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۵/۲۳

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت سی و پنجم)

فیمینیزم حفاظت محیط زیست

اتحادیه بین المللی حفاظت از محیط زیست International Union for Conservation of Nature and Natural Resources به ابتکار فعالان محیط زیست به همکاری گروه ها، احزاب سیاسی، سازمانهای اجتماعی و حکومت در سال ۱۹۴۸ در فرانسه ایجاد گردید. در سال ۱۹۷۲ خانم بار بارا اوئوس Barbara Uaoiuos سوئدی در شهر استکهولم مفهوم توسعه پایدار را در اعلامیه معروف حفاظت محیط زیستی در باره نقش با اهمیت و مؤثر زنان در پیوند با توسعه و حفاظت محیط زیست و الزامات دولت ها، حکومت، سازمانها و احزاب را درج کرد. که این اعلامیه در اجلاس زمین سال ۱۹۹۲ اتحادیه بین المللی حفاظت محیط زیست منعقد شهر ردیو جنیرو برازیل تأیید و صورت عملی بخود گرفت.

در سال ۱۹۹۱ جنت بیهل Janet Biehl (۱۹۵۳) نویسنده سیاسی و فعال محیط زیست امریکایی و نویسنده کتاب (طرحی جدید در سیاست و رزی فیمینیزم محیط زیستی یا ایکوفیمینیزم) در این کتاب بیهل سوالاتی را در برابر مردم مطرح کرد که آیا زنان از مردان سبز تر اند؟ آیا زنان رابطه مشخص تر و خاص تر با طبیعت و دیدگاه های محیط زیستی دارند؟ که همه زنان مخصوصاً فیمینیزم ها به این سوالات پاسخ های مثبت ارائه کردند. البته که قبل از بیهل، پاول رالف ارلیش Paul Ralph Ehrlich (۱۹۳۲ - ۲۰۱۷) در کتاب (بمب جمعیت Population Bomb) تخمین زده بود که افزایش غیر قابل کنترل نفوس جهان را به نابودی سوق میدهد. او در این کتاب تذکر داد در شرایط امروز بزرگترین خدمت بشر برای سلامت جهان جلوگیری از تولید مثل است.

چند سال بعد از پل ارلیش یک فیمینیزم رادیکال فرانسوی که برای اولین بار کلمه ایکو فیمینیزم را شامل ادبیات اجتماعی و سیاسی کرد بنام فرانسواز دوبون Françoise d'Eaubonne (۱۹۲۰ - ۲۰۰۵) مشخص کرد که نیمی از جامعه که زنان میباشند کنترل بارداری خود را در اختیار خویش ندارند و نظام مرد سالار که او در این مقاله اش آنرا (نظام نرینه) مینویسد زنان را بدون چون و چرا باردار و زاینده میخوانند. دو بون در این نوشتار اضافه میکند که زنان میتوانند با آزادی خویش از سیطره مرد سالار و قوانین حاکم آن دسترسی آسان به سقط جنین

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

و وسایل و تسهیلات جلو گیری کننده میتوانند نفوس جهان را تحت کنترل در آورده و جهان را از نابودی نجات دهند بر تن خویش نیز مسلط گردند. از همین جا بود که نقش زنان در حفاظت محیط زیست از اهمیت برخوردار گردید. مجموعه نظریات دوبرون در کتاب (فیمینسم یا مرگ) بازتاب گسترده یافت و این ایده را بنام ایکو فیمینسم نامگذاری کرد. البته در امریکا نیز مقارن همین سالها زنانی زیادی با الهام از همین ایکو فیمینست ها تظاهرات وسیعی بر علیه نیرو گاه های اتمی امریکا راه اندازی کردند و زنان انگلستان بر علیه استقرار راکتهای کروز پیمان ناتو کمپ صلح را در پایگاه هوایی گرین هام کامن ایجاد کردند و مخالفت صریح شانرا با مسابقات تسلیحاتی در جهان ابراز داشتند. همین ایده ها آهسته آهسته رابطه زنان را با طبیعت و محیط زیست به کنکاش بیشتر میگرفت. جملات محزون « وطن، سرزمین، طبیعت مادر است» راه خود را در میان زنان بیشتر و بیشتر باز میکرد. و در جبهه مقابل نیرو هایی که با استفاده از تکنالوژی و دانش در تلاش رام کردن طبیعت، تحت کنترل گرفتن زمین و آسمان و تجاوز اشکار بر زمین و مادر بودند. ایکو فیمینست ها پدر سالاری جهانی یا patriarchy را یک مفهوم دو گانه کردن طبیعت میدانند که همزمان بر دو گانه کردن هستی نیز اشاره دارد. و این پدر سالاری در طول زمامداری اش پیوسته بر تسلط بر طبیعت اتکا داشته و چون زنان مورد بهره کشی این سیستم قرار گرفته است. فیمینست های حفاظت محیط زیست یا ایکو فیمینست ها برای جلوگیری از تجاوزات بشر بر محیط زیست خاصاً پروژه های تخریب کن محیط زیست در کشور های به قول غربی ها جهان سوم که با استفاده از قرضه های بانک جهانی در پی اعمار بند های برق روی دریاها زراعت را در مابعد این دریا ها به نابودی میکشاند، نابودی جنگلات، انقراض جانوران و پاهین رفتن آب های تحت الارضی دست بکار شده و به طریقه های مختلف مانع تحقق این پروژه ها نابود کن محیط زیست قرار گرفتند. یکی از این جنبش ها در هندوستان فعالانه به مبارزه بر خواست، شرکتی در هندوستان در سال ۱۹۷۳ در نظر داشت تا برای فرآورده های صنعتی جنگلات را قطع کنند، زنان روستا های اطراف این جنگلات در روستای رینی مناطق کوهستانات همالیا در زمان قطع درختان، درخت ها را به آغوش گرفته و مانع قطع آنها شدند. که این جنبش بنام جنبش چپیکو مشهور شد و سرانجام هندوستان را فراگرفت و الهام بخش ایکو فیمینست های سایر کشور های جهان نیز گردید. چپیکو Chipko به معنی بغل کردن یا چسپیدن است. که زنان روستای رینی هندوستان با آنکه بیسواد بودند اما کار با تعهد عملی شان برای حفاظت محیط زیست جوامع بسیار پیشرفته دنیا را و مردمان با سواد عالی در نوردید و آموزاند که چگونه میشود از محیط زیست خویش حفاظت کرد.

ایکو فیمینست ها به این نظر اند که تغییرات اقلیمی که بلاثر آن آتش سوزی ها، توفان ها، سیلاب ها، آب خیزی ها، خشکسالی ها، موج های گرما و سرما، شیوع بیماری های ناشی از این تغییرات اقلیمی، قحطی ها و همه بلا های ناشی از این تغییرات اقلیمی بر زنان نازل میگردد و بیشترین صدمه آنرا زنان متقبل میگردند. آنها به گزارشی از سازمان (ون) که مقر آن در انگلستان میباشد استناد میکنند که در اثر بلا های ناشی از تغییرات اقلیمی سالانه ده هزار زن جاننش را از دست میدهد در حالیکه این بلا ها جان ۴۵۰۰ مرد را نیز میگیرد. همچنان از ۲۶ میلیون نفری که از اثر بلا های اقلیمی متضرر شده اند بیست میلیون یا ۸۰ فیصد شان زنان اند. مثال دیگری را از گرد باد بنگله دیش عنوان میکنند در سال ۱۹۹۱ در بنگلادش گردبادی مردم را از خانه هایشان بیرون راند شمار زنانی که جان باختند پنج برابر مردان بود. پوشاک زنان دست و پا گیر بود؛ برخی بیش از آنکه باید در انتظار خویشاوند مردی که بتواند همراهیشان کند در خانه مانده بودند، در حالی که مردان که در مکانهای بازتری بودند یکدیگر از خطر آگاه میگردند و گاه به زنان که در خانه مانده بودند هیچ خبری نمی دادند. و بنا به گفته سازمان ون در جاهایی که موقعیت اجتماعی زنان و مردان برابرتر است، زنان تهیدست آسیب پذیری بیشتری نسبت به بالا رفتن بهای مواد غذایی، موجهای گرما و بیماریهای ناشی نابودی محیط زیست دارند. بر اساس یافته های سازمان ون و سایر سازمان های دفاع از محیط زیست تمام دانشمندان این عرصه و عرصه های علوم اجتماعی و فیمینست های دفاع از محیط زیست به این باور رسیده اند که زنان بیشتر از مردان در باره تغییرات اقلیمی و در اثر آن نابودی محیط زیست نگران اند و کمترین سهم را در تولید گاز های گلخانه ای و گرمایش زمین دارند.

دانشمندان چون سکاها و هوزلر در نتیجه تحقیقات مستمر شان روی زنان در عرصه حفاظت محیط زیست به این نتیجه رسیده اند که زنان بصورت عموم سطح بسیار بلندی از تعهد عملی نسبت به محیط زیست را دارا هستند و بسیار با مسئولیت و دلسوزانه در این راه تلاش عملی میکنند.

همچنان گیدنز Anthony Giddens, Baron Giddens (۱۹۳۸) جامعه شناس، عالم علم سیاست و نویسنده شهیر انگلیسی که یکی از نویسندگان نخبه جهان در عرصه علوم بشری و جامعه شناسی میباشد در نتیجه مطالعات اش در به این نتیجه رسیده است که نه تنها تمام آسیب های محیط زیستی نتیجه مدرنیته و فرآیند جهانی شدن می باشد، بلکه مصرف منابع و معادن و تولید آلاینده ها یا آلوده کننده های عضوی به عنوان یک شاخص توسعه مطرح بوده است. در این نقطه است که معنای توسعه پایدار این نیاز را پاسخ می دهد و حضور زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان اهمیت و هویت می یابد. در نقد مصرف گرایی و تغییر الگوهای مصرف است که ایده جنبش های فیمینستی و مخصوصاً فیمینسم حفاظت محیط زیستی مطرح می یابند. برای رسیدن به نظام که خواستگارش

یک نظام اقتصادی و سیاسی منصفانه بر مبنای عدالت است. این روند را مبنای یک عدالت جهانی و پایه حقوق بشر می‌شمارند. گیدنز همچنان توجه به دامنه آسیب محیط زیست و مواردی مانند منابع آب و انرژی را از مبانی اصلی سلطه بخشی بر اکثریت می‌داند. و از یک نابرابری بزرگ جهان بیم و هراسش را ابراز میدارد. کنترل و قدرت زنان در مواردی مانند توسعه امکان کشاورزی بدون مواد کیمیاوی و استفاده از آفت کش ها که در زبانهای اروپایی انرا بيو Bio یا ارگانیک Organic مینامند، جلوگیری از آلودگی منابع آب و... می‌تواند نقش بازدارنده مهمی داشته باشد.

بر علاوه چند نوع از جنبشهای فیمینیستی که در بالا تحت عناوین جداگانه توضیح کردم نوع دیگری از فعالیت فیمینیستی تحت عنوان فیمینیسم فراملیتی (ترانزناشنل فیمینیسم) نیز اینجا و آنجا سر بلند میکند که هدف اساسی اش را تأمین روابط جهانی فیمینیست های محلی به منظور همکاری، هماهنگی، همدلی، سازماندهی واحد و فعالیت های متمرکز روی مشکلات جهانی زنان عنوان میکند. ولی دارندگان این نظر تا هنوز نتوانسته اند نظریات و باورمندان شان را به یک جنبش وسیع میدل گردانند.

همچنان فیمینیسم های روانشناسانه یا سایکلوژیک، فیمینیسم عریان گرایی و چند نوع فیمینیسم دیگر نیز در بسا کشور های اروپایی، امریکا، آسرالیا و آسیا گاهگاهی از طریق راه اندازی نمایشات خیابانی و تظاهرات عرض وجود میکنند ولی در سیاست گذاری ها و مسایل اهم اجتماعی و اقتصادی نقش بسزایی تا کنون نداشته اند.

با وصف تأثیرات مثبت عملکرد جنبش های فیمینیستی در عرصه آزادی زنان از اسارت فرهنگ مرد سالارو در بسا کشور ها رسیدن به حقوق برابر اجتماعی مخالفین این جنبش زنانه، جنبشهای فیمینیستی را بنام زنان گمراه و گمراه کنندگان که زنان را با لاطیالات شان از مسیر طبیعی زنده گی بدور میبرد، طرد مردان از جامعه بشری، حذف خانواده و بسا موارد دیگر محکوم کرده و جهانی شدن جنبشهای فیمینیست را برابر با ختم زنده گی بشر در روی زمین معرفی میدارند. که مستلزم حرکت های عملی آگاهی رسانی و روشنگرانه فعالین جنبش زنان میباشد.

سعی کردم به اختصار در باره فیمینیسم و فعالیت های فیمینیستی، انواع و اشکال آن و پهلوی های مفید و غیر مفید آن تا حد دسترسی غرض آگاهی دهی زنان کشور عزیزم افغانستان توضیحاتی گرد آوری و ارائه کنم تا آنها با یک دید روشن نسبت به این پدیده اجتماعی - سیاسی که تأثیر مستقیم بر سرنوشت شان دارد انتخاب آگاهانه داشته باشند. باید علاوه کنم در این جهان پر از راز و رمز و فعالیت های مغرضانه و جانبدار سازمانهای دولتی و ارگانهای اسخباراتی شان بمنظور تحت تسلط در آوردن سازمانهای اجتماعی مخصوصاً سازمانهاییکه در حوزه های منافع حیاتی این کشور ها راه اندازی شده باشد مسئولین و اعضای این سازمانها مراقبت و موظبت دایمی بر عملکرد و پالیسی های خویش مبذول بدارند. پایان قسمت سی و پنجم (ادامه دارد)